

## کلاس‌هایی که در میان بحران نفس می‌کشند

**محدثه رضایی** جنگ که می‌آید فقط صدای انفجار نیست که در شهر می‌پیچد؛ گاهی سکوتی سنگین روی کلاس‌های درس می‌نشیند. نیمکت‌ها خالی می‌مانند و تخته‌هایی صدا. اما در همین روزها، آدم‌هایی هستند که نمی‌گذارند این سکوت ادامه پیدا کند؛ معلمانی که باور دارند حتی در دل بحران هم می‌شود یاد گرفت، می‌شود ادامه داد.

یکی از همین روایت‌ها، از دل یک ویدئو بیرون آمده است؛ معلمی که کلاسش نه دیوار دارد، نه تخته سبز و نه زنگ مدرسه. او کنار جاده ایستاده و در خودرواش را تبدیل به تخته کرده است. با گچ یا ماژیک، روی در فلزی می‌نویسد و برای دو دانش‌آموز درس می‌دهد. شاید کلاسش کوچک باشد، اما در آن لحظه و آنجا، آموزش زنده جاری است.

در جایی دیگر، میان طبیعت و زیر آسمان، کلاس دیگری برپاست. یکی دیگر از این معلمان فداکار، آموزگار دهه هفتادی منطقه لیلان است؛ کسی که به جای تعطیل کردن کلاس‌ها، آن‌ها را به دل طبیعت برده است. دانش‌آموزانش روی زمین می‌نشینند، صدای باد و برگ‌ها با صدای درس درهم می‌آمیزد و او، با همان تعهد همیشگی، درس می‌دهد.

این‌ها فقط چند تصویر کوچک از واقعیتی بزرگ‌ترند؛ اینکه آموزش، اگر با عشق همراه باشد، نه متوقف می‌شود و نه به شرایط محدود می‌ماند. معلم‌ها در سخت‌ترین روزها، راهی پیدای می‌کنند تا چراغ یادگیری روشن بماند. حتی اگر کلاسشان یک در خودرو باشد یا گوشه‌ای از طبیعت.

شاید به همین دلیل است که روز معلم فقط یک مناسبت ساده در تقویم نیست؛ فرصتی است برای دیدن و قدردانی از تلاش‌های بی‌وقفه و از معلمانی که در هر شرایطی، حتی در دل بحران، کنار دانش‌آموزانشان می‌مانند و نمی‌گذارند مسیر یادگیری متوقف شود.

### حسن شریفی، معلم پایه ششم ابتدایی

#### نگرانی‌های بچه‌ها از جنگ را در کلاس می‌بینم

امروز در نهمین سال از مسیر معلمی‌ام ایستاده‌ام و به پشت سر نگاه می‌کنم؛ مسیری که از دانشگاه فرهنگیان مشهد، ورودی ۱۳۹۶ آغاز شد و تا امروز در کلاس‌های درس ادامه یافته است. پس از آن، در مقطع کارشناسی ارشد رشته تحقیقات آموزشی از دانشگاه فردوسی مشهد دانش آموخته شدم و همچنان در همان راهی قدم می‌گذارم که از کودکی در ذهن و دل‌میشه داشتم.

از سال ۱۳۹۶، فعالیت حرفه‌ای‌ام را در منطقه احمدآباد مشهد آغاز کردم و تا امروز با گذشت ۹ سال، افتخار خدمت در آنجا را داشته‌ام. امسال هم در روستای بازجو، در ۷۵ کیلومتری جاده مشهد- تربت حیدریه تدریس می‌کنم.

علاقه من به معلمی به سال‌های کودکی برمی‌گردد؛ روزهایی که بازی‌های رنگ و بوی کلاس درس داشت. هنوز هم به یاد دارم که برای خودم دفتر نامه می‌نرم. همین که خودم یاد می‌نویسم، معلمی را زندگی می‌کنم. ساعت‌ها با بچه‌ها می‌نویسم. مراد سال ۱۳۹۶ به شرکت در کنکور و انتخاب دانشگاه فرهنگیان سوق داد.

از همان سال با ورود به آموزش و پرورش، مسیر حرفه‌ای‌ام به‌طور جدی آغاز شد. هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه، چه در قالب کارورزی و چه در قامت تدریس، در کلاس‌های درس حضور یافته‌م و تلاش کردم آموخته‌هایم را با تجربه‌های عملی پیوند بزنم.

در وضعیت فعلی کشور و شرایط خاصی که وجود دارد، من نقش معلمی را نوعی جهاد بزرگ می‌دانم. تلاشی مستمر برای تربیت دانش‌آموزانی باسواد و توانمند. با این هدف، با اینکه فاصله محل سکونت‌م تا مدرسه حدود ۱۰۰ کیلومتر است، به همراه دیگر همکارانم هفته‌ای چند بار این مسیر طولانی را طی می‌کنیم تا روند آموزش دانش‌آموزان دچار وقفه نشود. این رفت‌وآمدهای مداوم، بخشی از مسئولیتی است که نسبت به دانش‌آموزان احساس می‌کنم؛ مسئولیتی برای فراهم کردن آموزش مناسب، کافی و درخور تا آن‌ها بتوانند در مسیر رشد و یادگیری، از فرصت‌های برابر بهره‌مند شوند.

من در ادامه این مسیر آموزشی، به نکته‌ای رسیده‌ام که برای خودم قابل تأمل است؛ آن تغییر نگرش نگاه دانش‌آموزان به مدرسه و آموزش حضوری است. در گذشته همیشه گفته می‌شد دانش‌آموزان از تعطیلی مدارس استقبال می‌کنند، اما حالا در شرایطی که پس از عید، کلاس‌ها را به‌صورت محدود و حضوری، هفته‌ای دو تا سه بار و در فضاهایی مانند مساجد و مهدیه‌های روستا برگزار می‌کنیم، واقعیتی متفاوت‌تر می‌بینم و به تجربه دیده‌ام حتی ۱۰ دقیقه آموزش حضوری می‌تواند اثربخشی‌تر از ساعت‌ها آموزش غیرحضوری باشد.

من شاهدم دانش‌آموزان با شور و اشتیاقی حتی بیشتر از پیش از تعطیلات، در کلاس‌ها حاضر می‌شوند. حضورشان دیگر از سر اجبار نیست، بلکه با نوعی رغبت و انگیزه همراه شده است. این تغییر رفتار برای من به‌عنوان معلم، نشانه‌ای روشن از درک عمیق‌تر آن‌ها نسبت به اهمیت آموزش حضوری است. حالا به‌وضوح می‌بینم دانش‌آموزان نیز به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش حضوری و مجازی، تفاوتی اساسی با یکدیگر دارند؛ تفاوتی که می‌توان آن را از زمین تا آسمان توصیف کرد. همین درک سبب شده هم مشارکتشان در کلاس بیشتر شود و هم یادگیری‌شان نسبت به گذشته عمیق و کیفیت بالاتری پیدا کند. امروز بسیاری از خانواده‌ها نیز به این درک رسیده‌اند که تأثیر آموزش حضوری، چندین برابر آموزش مجازی است و همین باور، آن‌ها را به میدان همکاری کشانده است.

من می‌بینم والدینی که شاید پیش از این کمتر ارتباط مستقیمی با مدرسه داشتند، حالا در محل برگزاری کلاس‌ها، از مساجد گرفته تا مهدیه‌های روستا حضور پیدا می‌کنند و در حد توان خود کمک‌رسان هستند. این همراهی و همدلی خانواده‌ها، برای من و دیگر همکارانم منبعی از انگیزه و انرژی شده است.

امروز دیگر بچه‌ها مثل گذشته نیستند؛ آن‌ها به منابع مختلف دسترسی دارند، گوشی و اینترنت در اختیارشان است و اخبار



را حتی ناخواسته دنبال می‌کنند. در فضای خانواده‌ها نیز با وجود آنکه بهتر است موضوعاتی مانند جنگ در حضور کودکان کمتر مطرح شود، اما این گفت‌وگوها به‌طور طبیعی میان بزرگ‌ترها شکل می‌گیرد و به گوش بچه‌ها هم می‌رسد. من در کلاس به‌وضوح این تأثیر را می‌بینم. دانش‌آموزان با نگرانی سؤال‌هایی مثل «آقا، به نظر شما جنگ ادامه پیدا می‌کند؟» یا «ممکن است دوباره حمله‌ای اتفاق بیفتد؟» می‌پرسند. این پرسش‌ها نشان‌دهنده دلهره و استرسی است که در وجودشان شکل گرفته و به‌ویژه برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی که درک کامل و دقیقی از مسائل ندارند، این نگرانی‌ها پررنگ‌تر است. با توجه به اینکه در آغاز این درگیری‌ها، حمله به یک مدرسه و شهادت ۱۶۸ دانش‌آموز و معلم اتفاق افتاد، این تصویر به‌صورت ناخودآگاه در ذهن کودکان نقش بسته است. من احساس می‌کنم مدرسه خودشان نیز در معرض خطر باشد؛ همین موضوع، اضطرابشان را بیشتر می‌کند و مسئولیت‌ها را در ایجاد آرامش و اطمینان، سنگین‌تر از قبل نشان می‌دهد.

من با توجه به دلهره و استرسی که در میان دانش‌آموزانم می‌بینم، سعی کرده‌ام نقش خودم را فراتر از یک معلم صرف تعریف کنم. تدریس، وظیفه اصلی من است، اما در کنار آن تلاش می‌کنم ارتباط و تعامل نزدیک‌تری با بچه‌ها برقرار کنم تا احساس راحتی و اعتماد بیشتری نسبت به من داشته باشند و بتوانند نگرانی‌ها و فشارهای روحی‌شان را با من در میان بگذارند. در مدرسه‌ای که من در آن تدریس می‌کنم، کلاس به‌صورت مختلط برگزار می‌شود و همین موضوع، اهمیت ایجاد تعامل سالم و سازنده میان دانش‌آموزان را بیشتر می‌کند. من عمداً فضا را به‌سمتی می‌برم که بچه‌ها بیشتر با هم صحبت کنند، ارتباط بگیرند و حس همراهی را تجربه کنند. تلاش می‌کنم حال و هوای کلاس، نسبت به پیش از این شرایط، شاداب‌تر و پرنرژی‌تر باشد. سعی می‌کنم محیطی ایجاد کنم که دانش‌آموزان، دست‌کم در همان چند ساعتی که در کلاس حضوری هستند، از فضای اخبار و نگرانی‌های مربوط به جنگ فاصله بگیرند؛ بخندند، با هم گفت‌وگو کنند و لحظاتی آرام‌تر را تجربه کنند. این رویکرد را بخشی از مسئولیت خودم می‌دانم تا بتوانم در کنار آموزش، به آرامش روانی آن‌ها نیز کمک کنم. در روزهایی که آموزش به‌صورت مجازی دنبال می‌شود، فعالیت‌ها از طریق «شاد» و در زمان بندی مشخص انجام می‌گیرد و دانش‌آموزان پایه ششم معمولاً از ساعت یک تا ۳ بعدازظهر در کلاس‌های مجازی حضور دارند. اما در مقابل، روزهای آموزش حضوری از ساعت ۸:۳۰ صبح آغاز می‌شود و تا حدود ساعت ۱۲ ادامه دارد.

من برای برگزاری کلاس‌های حضوری در مسجد و مهدیه، از حداقل امکانات موجود استفاده می‌کنم. دانش‌آموزان کتاب‌های درسی خود را از خانه می‌آورند، اما سایر وسایل آموزشی را از مدرسه تأمین می‌کنم. هر روز صبح، پیش از آغاز کلاس، به مدرسه می‌روم و تخته، ماژیک و هر وسیله موردنیاز را برمی‌دارم و به محل برگزاری کلاس، یعنی مسجد یا مهدیه منتقل می‌کنم.

من این جمله را با تمام وجود درک کرده‌ام که معلم، شمع است که خود می‌سوزد تا مسیر آگاهی را برای دیگران روشن کند. امروز در این شرایط خاص، بیش از هر زمان دیگری معنای این جمله را لمس می‌کنم. من می‌بینم آموزش مجازی، با همه ظرفیت‌هایی که دارد، برای معلم چندین برابر سخت‌تر از آموزش حضوری است. مدیریت

بخشی از عقب‌ماندگی‌های درسی را جبران و ارتباط آموزشی را حفظ کنیم که با استقبال خیلی خوب خانواده‌ها روبه‌رو شدم. حتی می‌توانم بگویم درخواست برگزاری کلاس‌های حضوری بیشتر از سمت خود آن‌ها بود. همه تأکید داشتند اینترنت وضعیت خوبی نداشته و بازدهی لازم را ندارد و بچه‌ها در «شاد» آن‌طور که باید درس را یاد نمی‌گیرند، برای همین اصرار داشتند کلاس‌ها حضوری برگزار شود و واقعاً هم استقبال کردند.

از طرفی، بچه‌ها هم در دنیای خودشان هستند و بیشتر دوست دارند کلاس‌های حضوری برگزار شود تا دوباره جمع دوستانشان شکل بگیرد؛ کنار هم باشند، درس بخوانند، بازی کنند و تعامل داشته باشند. در همان زمانی هم که کنارشان هستیم، بیشتر تمرکز روی درس و آموزش و پرورش است. واقعیت این است که بچه‌ها خیلی درگیر فضای جنگ نیستند و ذهنشان کمتر به این موضوع مشغول شده است.

من برای برگزاری کلاس‌ها، زمان بندی مشخصی در نظر گرفته‌ام؛ به‌طور معمول کلاس‌ها در نوبت ۴۵ دقیقه‌ای برگزار می‌شود. البته این برنامه انعطاف‌پذیر است و اگر دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر، به‌ویژه پایه ششم با هماهنگی معلم مربوط در کلاس‌ها حضور پیدا کنند، این امکان را داریم که زمان آموزش را به سه نوبت ۴۵ دقیقه‌ای افزایش دهیم تا پوشش بهتری برای مطالب درسی فراهم شود.

معتمد ام‌ا محتوای آموزشی جذاب نباشد، خیلی زود برای دانش‌آموزان خسته‌کننده می‌شود. به همین دلیل سعی می‌کنم تدریس را با عناصر متنوعی مثل داستان، نمایش، بازی و حتی فعالیت‌های ورزشی تلفیق کنم تا کلاس حالت یک‌نواخت نداشته باشد.

### احسان نصیری، مدیر و معلم دبستان ایمان

#### اشتیاق بچه‌ها به درس، امید را به من برگرداند

مسیر من در آموزش، از دل یک خانواده فرهنگی آغاز شد؛ جایی که از سال‌ها پیش در چهارم دبیرستان، پایه به فضای مدرسه و ارتباط با دانش‌آموزان باز شد. حضور در مدرسه مادرم، نخستین تجربه‌های جدی من در مواجهه با دنیای تعلیم و تربیت بود؛ تجربه‌هایی که بعدها مسیر زندگی‌ام را شکل داد.

با ورود به دانشگاه فرهنگیان، این مسیر رسمی‌تر شد و در قالب کارورزی، بیش از پیش در کنار دانش‌آموزان قرار گرفتم. همان سال‌ها بود که فهمیدم معلمی فقط انتقال درس نیست، بلکه همراهی با دنیای پراز سؤال و احساس بچه‌هاست.

پس از دانش‌آموختگی و تقسیم‌نبره، به منطقه احمدآباد، از مناطق کم‌برخوردار اطراف مشهد اعزام شدم؛ جایی که امروز آن را بخشی از هویت خودم می‌دانم. حالا حدود پنج سال است که به‌صورت مستقیم در کنار دانش‌آموزان این منطقه هستم و اگر آن‌سال‌های پیش از استخدام را هم حساب کنم، نزدیک به یک دهه است که زندگی‌ام با بچه‌ها گره خورده است.

من در مدرسه ابتدایی ایمان، در روستای کج‌لنگ از توابع منطقه احمدآباد مشهد مشغول به فعالیت هستم؛ امسال در نقش مدیر مدرسه در کنار دانش‌آموزان بودم، اما با غیرحضوری شدن کلاس‌ها، روند آموزش را متوقف نکردم. من هدف و دغدغه اصلی خودم را بر این گذاشته‌ام که تا حد توان، ضعف‌های آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان را پوشش بدهم. تجربه دوران کرونا برای من یک هشدار جدی بود؛ دوره‌ای که یک فاجعه بزرگ آموزشی رقم زد و هنوز هم آثار و آسیب‌های آن در سطح یادگیری و حتی روحیه بچه‌ها قابل مشاهده است.

امروز در کلاس درس، همچنان پیامدهای آن دوره را می‌بینم؛ از افت تحصیلی گرفته تا کاهش تمرکز و فاصله گرفتن از فضای واقعی یادگیری. همین موضوع سبب شد تصمیم بگیرم با جدیت بیشتری وارد عمل شوم تا آن تجربه تلخ، به‌نوعی تکرار نشود.

تلاش من این است نگذارم دانش‌آموزان دوباره در چنین شرایطی دچار آسیب‌های عمیق شوند؛ چه در حوزه آموزش و چه در حوزه پرورش. به همین دلیل سعی می‌کنم با کار بیشتر، ارتباط نزدیک‌تر و توجه دقیق‌تر به نیازهایشان، بخشی از آن خلأها را جبران کنم و مسیر یادگیری را برایشان هموارتر نگه دارم. با اینکه می‌بینم بچه‌ها اخبار را می‌شنوند، اما دنیای آن‌ها با دنیای بزرگ‌ترها فرق دارد و هنوز همان کنش و اشتیاق به درس را دارند. در همین روزهایی که کلاس‌های حضوری را برگزار می‌کردیم، بچه‌ها زودتر از زمان شروع می‌آمدند و دیرتر هم می‌رفتند و آقای‌ها برای یادگیری استقبال نشان می‌دادند. این تجربه برای من دوباره ثابت کرد آموزش حضوری اثرش قابل مقایسه با مجازی نیست.

من و همکارانم، کلاس‌ها را به فضای مسجد و حسینیه منتقل کردیم تا آموزش حضوری همچنان ادامه داشته باشد. در این میان، با دانش‌آموزان پایه چهارم که دو سال پیش شاگردان خود بودند، کلاس‌های رفع اشکال برگزار کردم تا بتوانیم

جبران خود

جبران خود



رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر خبر داد

### ایران در آستانه حذف انتقال محلی مالاریا



رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر با تأکید بر دستاوردهای ایران در کنترل مالاریا اعلام کرد: کشور با وجود چالش‌های مرزی و اقلیمی، به آستانه حذف انتقال محلی این بیماری نزدیک شده و در عین حال، نقش مهمی در حفاظت از سلامت منطقه ایفا می‌کند.

به گزارش ایسنا، قیاد مرادی اظهار کرد: در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از موارد ابتلا، وارداتی بوده و بیشتر از مرزهای شرقی وارد کشور شده‌اند؛ به‌طوری که حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد موارد ثبت‌شده در مجموع کل بیماران چند سال اخیر، وارد بوده‌اند.

رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر با اشاره به همجواری ایران با کشورهای که همچنان با بیماری فلج اطفال درگیر هستند، تصریح کرد: ایران با حفظ پوشش بالای واکسیناسیون و کنترل بیماری‌های واگیر، نه تنها از جمعیت خود محافظت کرده، بلکه به‌نوعی از گسترش این بیماری‌ها به سایر کشورها نیز جلوگیری می‌کند.

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش:

### ارائه کارنامه‌های کیفی در مقطع ابتدایی ادامه دارد

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از ادامه ارائه کارنامه‌های کیفی در ارزشیابی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی خبر داد. رضوان حکیم‌زاده با اشاره به روند ارزشیابی دانش‌آموزان در سال تحصیلی جدید به مهر گفت: کارنامه‌های دوره ابتدایی همچنان بر مبنای رویکرد کیفی-توصیفی ادامه خواهد داشت و تغییری به سمت ارزشیابی صرفاً کمی در دستور کار نیست. وی درباره وضعیت مهارت‌های پایه دانش‌آموزان نیز توضیح داد: جامعه هدف در ارزیابی‌های کیفی-توصیفی، دانش‌آموزانی هستند که در سطح «نیازمند تلاش» قرار می‌گیرند و پس از تکمیل ارزیابی‌ها، آمار دقیق این گروه اعلام خواهد شد.

معاون آموزش ابتدایی همچنین درباره برنامه‌های سال آینده گفت: برنامه‌های سال تحصیلی جاری در حال اجراست و پس از پایان سال، با انجام ارزیابی، آسیب‌شناسی و بررسی نقاط ضعف و قوت، برنامه‌های جدید برای سال تحصیلی آینده تدوین و اعلام می‌شود.

هشدار به مادران باردار

### نمک دریایی موجب عوارض مغزی جنین می‌شود



مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت درباره مصرف نمک دریا به مادران باردار هشدار داد.

احمد اسماعیل‌زاده به مهر گفت: با توجه به نقش حیاتی ید در تکامل مغز جنین، مادران باردار باید در طول این دوره حتماً از نمک یددار تصفیه‌شده استفاده کنند و مصرف نمک در بارداری باید متعادل باشد؛ زیرا هم کمبود و هم مصرف بیش از حد آن می‌تواند برای سلامت مادر و جنین آسیب‌زا باشد.

وی افزود: متأسفانه گاهی به دلیل تبلیغات، برخی مادران باردار به مصرف نمک‌های دریایی بدون ید و می‌آورند؛ در حالی که این نمک‌ها علاوه بر نداشتن ید کافی، ممکن است حاوی فلزات سنگین باشند و به دلیل کمبود ید، موجب بروز عوارض مغزی در جنین شوند و از این رو، توصیه جدی ما استفاده از نمک یددار تصفیه‌شده، آن هم نه به‌صورت کم و نه زیاد، در دوران بارداری است.

مدیرعامل بنیاد بیماری‌های نادر ایران خبر داد

### شناسایی ۵۶۰ نوع بیماری نادر در ایران

مدیرعامل بنیاد بیماری‌های نادر ایران به ایلنا گفت: تاکنون حدود ۵۶۰ نوع بیماری نادر در ایران شناسایی شده است. حمیدرضا ادراکی افزود: تاکنون حدود ۶ هزار و ۵۰۰ بیمار نادر در سامانه ثبت بیماران نادر ایران «سبنا» به‌طور کامل ثبت شده‌اند؛ البته برآورد می‌شود تعداد واقعی بیماران نادر در کشور بیشتر از این رقم باشد.

وی گفت: همان‌طور که از نام این بیماری‌ها مشخص است، داروهای مورد نیاز آن‌ها نیز نادر بوده و به نوعی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجا که تعداد مبتلایان به این بیماری‌ها نسبتاً کم است، بسیاری از شرکت‌های داروسازی تمایل چندانی برای سرمایه‌گذاری در تولید این داروها ندارند، زیرا سود اقتصادی قابل توجهی برای آن‌ها به همراه ندارد.

برای مثال شرکت‌های دارویی ترجیح می‌دهند امکانات و ظرفیت تولید خود را صرف تولید داروهای پرمصرف مانند داروهای دیابت، انسولین، داروهای کاهنده چربی خون یا آنتی‌بیوتیک‌ها کنند.